

## واکاوی معیارهای شهر زیبا از دیدگاه ملاصدرا؛ نمونه موردی: بافت مرکزی شهر قزوین در عهد صفوی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۳۰

کد مقاله: ۲۵۶۶۱

پریسا قبادی<sup>۱</sup>؛ زهرا غفوری<sup>۲</sup>؛ سید علیرضا عالی<sup>۳</sup>

### چکیده

تفکرات ملاصدرا قابلیت زیادی را به منظور کمک به حل مشکلات نو دارا می‌باشد. در این پژوهش هدف نگارندگان، پرداختن به مقوله زیبایی و نمود آن در شهر از دیدگاه فیلسوف بزرگ، ملاصدرا است، موضوعی که تا به حال در پژوهش‌های گذشته بدان پرداخته نشده و یا کم‌تر مورد واکاوی قرار گرفته است. پژوهش حاضر از نوع کیفی تحلیلی - توصیفی بوده و راهبرد پژوهش مطالعه‌ی موردی با رویکرد تفسیری می‌باشد. اقسام زیبایی در سه دسته بندی: ۱- زیبایی حسی، ۲- زیبایی مثالی یا خیالی، ۳- زیبایی عقلی یا دلی، تعریف و مباحث مرتبط با هر یک شناسایی و تبیین شدند. معیارهای شهر زیبا شامل: ۱- وجود نسبت و تناسب ۲- حرکت و پویایی (حس کنجکاو و کشف) ۳- تضاد و تباین (نور و سایه، خوانایی (وضوح) و ابهام) ۴- حس تعلق ۵- دارای شهروندان صاحب هنر، آداب (اخلاق زیبا) و علم ۶- اعتدال و عدالت ۷- اختیار و آزادی ۸- مشارکت شهروندان است که از لابه لای متون مرتبط با دیدگاه و آراء ملاصدرا اتخاذ شده است. قابل ذکر است که هر یک از هشت معیار ذکر شده با یکی از اقسام زیبایی ارتباط و تطابق بیشتری دارند. ساختار کلی و جزئیات مرتبط با بافت مرکزی شهر قزوین در عهد صفوی به عنوان نمونه موردی با مبانی مستخرج شده از دیدگاه ملاصدرا کاملاً منطبق است.

واژگان کلیدی: زیبایی، شهر زیبا، ملاصدرا، دولتخانه صفوی، قزوین

۱- دانشجوی دکتری شهرسازی اسلامی و مدرس دانشگاه، گروه معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، ایران (نویسنده مسئول)، [p.ghobadi@tabriziau.ac.ir](mailto:p.ghobadi@tabriziau.ac.ir)

۲- کارشناس ارشد، عضو هیئت مدیره انجمن شهرسازان کهن شهر مینودری

۳- کارشناس ارشد، گروه معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، ایران

زیبایی مفهومی است که از دیدگاه حکمای مسلمان امری بدیهی است و اکثر حکما تصویری از آن دارند و از منظر حکمای اشراقی، عرفا و ملاصدرا مصداق حقیقی آن خداوند است. از این‌روست که ایشان عالم را که تجلیات خداوند است، زیبا می‌بینند. در میان تجلیات خداوند، انسان مقامی منحصر به فرد دارد؛ موجودی مختار است که با اختیار خود می‌تواند راه کمال را بییابد و یا به شقاوت و پستی برسد. یکی از اموری که تحت اختیار آدمی است و زمینه‌ای برای به کمال رسیدن یا نقصان وی مهیا می‌کند، محل زندگی و چگونگی آن است. از آنجا که حکما انسان را به طور طبیعی اجتماعی می‌دانند، بحث از شهر و شهرنشینی همواره در آثار ایشان موجود بوده است. از نظر ایشان شهری می‌تواند به آدمی برای رسیدن به کمال کمک کند که علاوه بر اینکه هر چیزی در آن در جایگاه خود قرار دارد و نیازهای ضروری شهروندان را برآورده می‌کند، خیال، عقل و دل آدمی را نیز به حرکت درآورد و این امر تنها با زیبایی شهر میسر می‌شود.

شهر زیبا از جمله مفاهیم جذابی است که هر جامعه‌ای به فراخور شرایط و توان خود از راه‌های مختلفی در تلاش به منظور دستیابی و حصول به آن است. زیرا زمانی یک شهر و جامعه مدنی می‌تواند به کمال و سعادت انسان کمک شایانی نماید که ویژگی‌های یک شهر زیبا را دارا باشد. ملاصدرا با بهره‌گیری از آیات و روایات و نیز تحت تأثیر عارفان، هر موجودی - و از جمله شهر - را دارای ظاهر و باطن می‌داند. از نظر وی زیبایی حقیقی هر چیزی آن است که ویژگی‌های خاصی را در ظاهر و باطن خود داشته باشد؛ ویژگی‌هایی که تجلیات اسمای حسنا می‌شوند. تاکنون بحث‌هایی در ارتباط با زیبایی و زیبایی‌شناختی در حوزه فلسفه و یا معماری صورت گرفته ولی در حیطه شهرسازی و پیوند دو حوزه نظری و عملی فلسفه و شهرسازی، صورت‌پذیرفته است و همین امر اهمیت و ضرورت پرداختن به موضوع را دوچندان می‌نماید.

عدم پاسخگویی شهرهای امروزه به نیازهای زیباشناختی انسان در تمام ابعاد و تامل در این حوزه، که چرا حضور در برخی فضاهای خلق شده در ادواری نظیر عهد صفوی لذت بخش است، نگارندگان را برآن داشت تا با پرسش‌هایی نظیر: چه معیارهایی را می‌توان مرتبط با زیبایی و شهر زیبا از متون مرتبط با ملاصدرا به عنوان یکی از فیلسوفان و حکما استنباط کرد که بتوان در هر عصر و دوره‌ای به کار برد بدون اینکه کارایی خود را از دست بدهد؟ چه مبانی فکری در ورای اندیشه معمار و شهرساز دوره صفوی نهاده شده بود که با کاربست آن‌ها می‌توانست به خلق فضا به جای کالبد بیانجامد؟ به واکاوی موضوع بپردازند. برای یافتن پاسخ به این سؤالات نگاهی به حوزه فلسفه و شهرسازی و ارتباط این دو داشته ایم. باید گفت در آثار ملاصدرا بحث مستقلی به عنوان زیبایی‌شناسی (علمی که در امر زیبایی، ملاک‌ها و نظریه‌های مربوط به آن بحث می‌کند) وجود ندارد زیرا در حقیقت پایه‌گذاری علم زیبایی‌شناسی، به قرن هیجدهم میلادی بازمی‌گردد که به عنوان بخشی از دانش فلسفه مورد بحث قرار گرفت. اما لزوماً به آن معنا نیست که قبل از این دوره هیچ مبحثی که بتوان در قالب مبادی زیبایی‌شناختی مورد مذاقه قرار داد، وجود نداشته باشد. در حکمت صدرا موضوعات فلسفی فراوانی جای دارد که با نگاهی زیباشناسانه می‌توان کاوش کرد و با مباحث مطروحه در زیبایی‌شناسی، به مفهوم متجدد برابر ساخت، مقولات ممتازی مانند؛ اسماء و صفات واجب تعالی، نظام احسن، عشق، عوالم سه گانه، قوای ادراکی انسان، خیال متصل و منفصل به موضوع زیبایی پرداخت. برای نمونه مواردی چون: واجب از هر زیبایی زیباتر است برای اینکه زیبایی محض و کمال تام است، ذات واجب، مبدأ هر خیر و کمالاتی است حکایت عالم از زیبایی واجب، کمال او جمال او و جلال او، واجب زیباترین و کامل‌ترین اشیاء است<sup>۴</sup> و...دال بر نظریه پردازی صدرا در زیبایی‌شناسی است. ماهیت بین رشته‌ای این تحقیق به لحاظ پرننگتر دیدن بحث در حوزه فلسفه از جمله ویژگی‌های اصلی این پژوهش است. در ادامه پژوهش، نگارندگان در ارتباط با زیبایی و اهمیت یک شهر در کمال انسان و اقسام زیبایی بحث خواهند کرد و سپس معیارهای شهر زیبا با توجه به آرا و دیدگاه ملاصدرا استخراج می‌شود و در نهایت در فضای مجموعه دولتخانه صفوی در شهر قزوین، با توجه به معیارها، تحلیل و بررسی صورت خواهد گرفت. زیرا با توجه به پرسش مطرح شده به نظر می‌رسد که مبانی فکری قوی در ذهن معماران و برنامه‌ریزان مجموعه شهری دوره صفوی در شهر قزوین وجود داشته که در متون مختلف بدان اشاره شده و همچنان آثار و بقایایی از آن پابرجاست که در عصر مدرن امروزی نیز در ساختار شهری موفق عمل می‌کند و همان خلق فضا به جای کالبد است.

- ۱- المبدأ و المعاد؛ صدرالدین محمد بن ابراهیم شیرازی؛ تصحیح سید جلال الدین آشتیانی؛ تهران: انجمن حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۵۴ هجری شمسی، ص ۱۵۶
- ۲- الحکمة المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه؛ صدرالدین محمد بن ابراهیم شیرازی؛ چاپ دوم، قم: مکتبه المصطفوی، ۱۳۶۸ هجری شمسی، ج ۶، ص ۱۳۳
- ۳- المبدأ و المعاد، ص ۱۶۹
- ۴- الاسفار الأربعة، ج ۱، ص ۱۱۵

## ۲- مبانی نظری

### ۱-۲- زیبایی و اهمیت یک شهر در کمال انسان

ملاصدرا خداوند را منبع جمال مطلق دانسته است و از دیدگاه وی زیبایی‌های این جهان نمودی از اوست (اکبری، ۱۳۸۴) (هاشم‌نژاد و نعمتی، ۱۳۹۰). و عشق را معلول و محصول زیبایی‌شناسی دانسته، نه علت و عامل آن (گنجور و امامی جمعه، ۱۳۹۰) به همان سان که توجه به زیبایی‌های این جهان نفی نمی‌شود. هم راستا بودن با زیبایی مطلق و عدم مسامحه از هدف نهایی خلقت زیبایی‌های دنیوی، مورد تاکید است. ملاصدرا کمال انسان را معادل با سعادت و در مقابل شقاوت به کار می‌برد (شیرازی، ۱۳۸۳) یکی از قوانین انسان شناختی مکاتب فلسفی حیطه اسلامی از منظر صدرالدین محمد بن ابراهیم قوام شیرازی، اجتماعی بودن انسان است (شیرازی، ۱۳۵۴) (انسان بالطبع مدنی است و زندگی او جز با اجتماع و تمدن سامان نمی‌گیرد) بنابراین شهر نیز به واسطه بستری برای زندگی جمعی انسان‌ها در به کمال رسیدن بشر نقش اساسی و حیاتی دارد. ملاصدرا وجه دیگری را نیز در تحلیل ضرورت جامعه در نظر دارد: شکی نیست که انسان به کمالی که برای آن آفریده شده دست نمی‌یابد، مگر در اجتماعاتی با جماعت بسیار که همگی در نیازهای یکدیگر همیار باشند. پس از آنچه موجب قوام جماعت است، نیازمندی‌های او در قوام خود و در بلوغش به حد کمال جمع شده است. کمال انسان، از دیدگاه ملاصدرا به کمال قوه عاقله اوست (شیرازی، ۱۳۶۰) و او حیات اجتماعی در اجتماعات بزرگ را راه دستیابی به آن می‌داند و حیات اجتماعی را از این جهت ضروری می‌شمارد. مدینه متعالیه، حد کمال جامعه انسانی است؛ باید در نظر داشت که ظهور تمام اسمای ربوبی و برخورداری از همه کمالات ممکن نیست، مگر با حضور در اجتماع.

همان‌طور که اشاره شد خداوند زیباست؛ زیرا دارای تمام کمالات است. از این سو موجودات نیز زیبا هستند؛ چرا که هر یک جلوه‌ای از کمالات خداوندند. ملاصدرا می‌گوید: در حدیث آمده است که خداوند زیباست و عاشق زیبایی است. از طرفی خداوند صانع عالم است و بنا بر آیه کریمه "کل يعمل علی شاکلته"، عالم را به شاکله خود آفرید... بنابراین کل عالم در نهایت زیبایی است؛ زیرا آینه خداوند است<sup>۱</sup>. بنابراین به واسطه این که انسان به عنوان یکی از مخلوقات خداوند واجد صفت زیبایی است، بستر زندگی و رشد او نیز بایستی زیبا باشد و انسان به عنوان اشرف مخلوقات لایق شهر زیبا است و از طرفی بی‌شک هرچه یک شهر زیباتر باشد می‌تواند انسان را به مراتب بالاتری از کمال و تعالی سوق دهد. اگر بخواهیم علتی غایی برای ایجاد یک شهر زیبا مناسب انسان در نظر بگیریم، می‌توان گفت که: این عمل پاسخی به حس زیباجویی و زیبا طلبی انسان است که اغنای آن می‌تواند به آرامش روانی و روحی او انجامیده و اضطراب زندگی مادی را کم کرده و تحمل زندگی خاکی و دوری از اصل خویش را برایش هموارتر کند.

### ۲-۲- اقسام زیبایی و تعاریف مرتبط با آن

ملاصدرا در اسفار، ابتدا انواع ادراک را چهار نوع احساس، تخیل، توهم و تعقل ذکر می‌کند، ولی در ادامه چنین می‌آورد که در واقع ادراک همانند عوالم بر سه نوع است. (شیرازی، ۱۳۷۸) ۱- وجود مادی ۲- وجود مثالی ۳- وجود عقلی (طباطبایی، ۱۳۹۲). مراتب ادراک (برای غیر خداوند) شامل سه مرتبه حسی (به کمک حواس و با تماس مستقیم با خارج)، خیالی (باقیمانده اثر ادراک حسی در ذهن) و عقلی (حصول معنای کلی پس از ادراک صور جزئی در ذهن) می‌باشد. این عوالم در طول هم قرار دارند و اختلاف آنها به معنای ضعف و نقص فی نفسه در آنها نیست چرا که هر کدام در زیباترین و بهترین وضعیت ممکن آفریده شده‌اند (ابراهیمی دینانی، ۱۳۶۶). در نظر ملاصدرا، مراتب ادراک با مراتب وجود تطابق دارد: (اراک، ۱۳۸۳). و همینطور ارتباط تنگاتنگی میان مقوله ادراک و زیبایی‌شناسی است. در ادامه در جدول ۱ انواع زیبایی و تعاریف هر یک تبیین شده است:

#### جدول ۱: انواع زیبایی و تعاریف مرتبط با هر یک

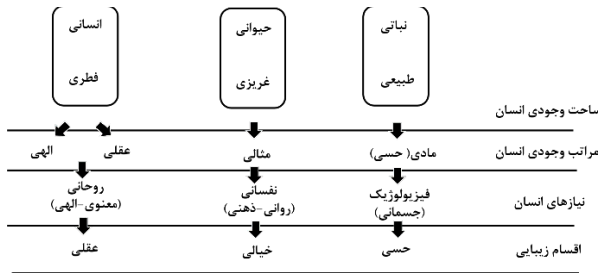
زیبایی	تعاریف مرتبط با هر یک
منزلت وجود مادی انسان، همان وجودی است که گیاهان هم دارند و انسان نیز مانند آنها در این منزلت از هستی‌اش تغذیه، تنبیه و تولید دارد (جوادی آملی، ۱۳۹۰) (جوادی آملی، ۱۳۹۲). این مرتبه از زیبایی، متعلق به عالم محسوسات است و قوای حسی آنها را درک می‌کند. "فیلسوفان اسلامی برای انسان دو نوع حس: ظاهری و باطنی قائلند. انسان به واسطه حواس ظاهری اشیاء را دریافته و به حواس باطنی تحویل می‌دهد و در آنجا بعد از سپری کردن مراحل ویژه‌ای، به صورت مجموعه آگاهی‌ها و قوانین کلی در می‌آید. حواس خمس ظاهری عبارت‌اند از: بساویی، چشایی، بویایی، شنوایی و بینایی و حواس باطنه عبارت‌اند از حس مشترک، خیال، حافظه، واهمه و مفکره یا متصرفه <sup>۲</sup> با تقسیم قوای حسی، زیبایی‌های حسی هم تقسیم می‌شود مثل زیبایی بصری: همچون نورهای مختلف، منظره‌های زیبا و... که قوای بصری از آنها ملتذ شود یا زیبایی سمعی: که قوای شنیداری از آن ملتذ می‌شود؛ مثل صداهای آهنگین و خوشایند. یا زیبایی لامسه یا لمسی، زیبایی چشایی و بر همین سیاق...	

۱- صدر الدین شیرازی، تفسیر القرآن الکریم، ج ۱، ص ۱۵۴-۱۵۳

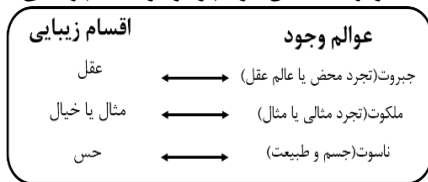
۲- فرهنگ اصطلاحات فلسفی ملاصدرا، دوره چهار جلدی، ج ۳ ص ۷۶۵

### ادامه جدول ۱: انواع زیبایی و تعریف مرتبط با هر یک

زیبایی عقلی	نفس انسانی در مسیر تکامل از عالم حس به عالم بالاتر یعنی عالم حس باطنی سیر می‌کند <sup>۱</sup> این عالم باطنی همان عالم مثال می‌باشد. نغمه‌ها، اصوات، روایح و... در این عالم وجود دارند. تصور زیبایی‌ها توسط خیال یا مثل محسوساتی است که از عالم حس بالا رفته‌اند و به قوه خیال رسیده‌اند و یا حکایت‌های عقلی است که از عالم عقلی تنزل پیدا کرده‌اند <sup>۲</sup> . زیبایی خیالی زیبایی است که مربوط به عالم خیال است و با قوه خیالی انسان درک شود. ویژگی‌های عالم مثال: ۱- میانجی بین عقل مجرد و جوهر مادی است به همین دلیل موسوم به برزخ نیز می‌باشد <sup>۲</sup> - خیال منفصل نیز نام گرفته زیرا از خیال حیوانی متصل به آن جدا است ۳- درجه‌ای از وجود است که مفارقت با ماده است ولی نشانه‌های ماده را ندارد <sup>۴</sup> - بر دو نوع تقسیم می‌شود: الف- عالم مثال اکبر و عالم مثال اصغر <sup>۳</sup>
زیبایی عقلی	در مرتبه وجود عقلی، انسان صاحب ادراک و رای است و انسان با این مرتبه از هستی خود، با معارف الهی مرتبط می‌شود و برای خود تصمیم عاقلانه می‌گیرد (جوادی آملی، ۱۳۹۰) (جوادی آملی، ۱۳۹۲). این قسم از زیبایی مربوط به عالم معقولات است و قوای عقلیه آن را درک می‌کند.



#### تصویر ۱: تطابق عوالم وجود و اقسام زیبایی



#### تصویر ۲: تطابق ابعاد وجودی انسان در ساحت و مراتب انسانی و اقسام زیبایی

بنابراین در وجه ایمانی برای انسان سه ساحت اصلی می‌توان قائل شد ساحت فیزیولوژیک (یا مادی و جسمانی)، ساحت نفسانی (یا روانی ذهنی) و ساحت روحانی (معنوی و الهی) (نقی‌زاده، ۱۳۹۱) و از صورت به معنی راه می‌یابد و منتقل می‌شود، "من فقد حسا فقد علما" و از معنی بسوی حقیقت (شیرازی، ۱۳۴۰). تصویر ۱ تطابق عوالم وجود و اقسام زیبایی و تصویر ۲ تطابق ابعاد وجودی انسان در ساحت و مراتب انسانی و اقسام زیبایی را نشان می‌دهد.

### ۲-۳- استخراج معیارهای شهر زیبا از متون ملاصدرا

در این بخش با توجه به منابع دست اول فلسفی و معماری و شهرسازی سعی در استخراج معیارهای یک شهر زیبا از دیدگاه و آراء فیلسوف بزرگ یعنی ملاصدرا شده است. اگرچه در منابع دست اول مربوط به ملاصدرا به مقوله شهر زیبا نیز همانند مبحث زیبایی‌شناسی به صورت مجزا و مستقیم پرداخته نشده است اما از لایه لای منابع میتوان به معیارهایی دست یافت که قابل تعمیم به یک شهر باشد و بتوان با کاربست آنها شهری زیبا آفرید.

#### الف - نسبت و تناسب

در این بخش به دو شاهد که ملاصدرا ملاک زیبایی را تناسب و حسن ترکیب دانسته است اشاره خواهد شد. او در جایی زیبایی چهره‌های زیبا را ناشی از شمایل ظریف، تناسب اعضاء، و حسن ترکیب آن‌ها با یک دیگر دانسته است (شیرازی، ۱۳۶۰) و در جای دیگر تناسب و نظم حرکات با یکدیگر و وحدت موجود بر این حرکات را به عنوان عامل زیبایی مطرح می‌کند (شیرازی، ۱۳۵۴). در ادامه در مورد مفهوم گسترده تناسب که آن هم متناسب با زیبایی کل عالم است می‌توان به موارد متعددی اشاره کرد: یجب أن یکون مناسبا إیاه و واقعا فی طریقہ کأجزاء الحركه کل سابق منها یوجب استعداد اللاحق<sup>۴</sup>

و الذی یؤید ما ذکرناه من تبدل الأبدان ما ورد فی صفه أهل الجنة أنهم جرد مرد<sup>۵</sup>

فمتی أرادت صعوده تصیر صاعدا و یتبدل ثقله خفه و إذا أرادت هیوطه یهبط و یتبدل خفته ثقلا و أما الطلوع إلی عالم السماء و

جنه الأرواح و السعداء و المنزل الأعلى فلا یمكنها أن ترقی إلی هناک بهذه الجثه الثقیفه بل بیدن نوری من جنس تلک الدار<sup>۶</sup>

۱- الشواهد الربوبیه، ص ۳۲۴

۲- الاسفار الاربعه، ج ۹، ص ۱۲۶

۳- بدایه الحکمه، ص ۱۷۷

۴- الاسفار الأربعة، ج ۸، ص ۱۲۴

۵- همان، ج ۹، ص ۳۳

۶- الاسفار الأربعة، ج ۹، ص ۴۸

المعلول يناسب علته بل فيض منها فالحرركات المتنافره بحسب الظاهر متوافقه منتظمه بالقياس إلى جمله النظام<sup>۱</sup> و كل قوه دراکه فهمی من جنس مدرکه كما بين في مقاومه ففی مرتبه الوهم يكون موهوما و في مرتبه الخيال يكون متخيلا و في مرتبه الحس يكون محسوسا<sup>۲</sup>

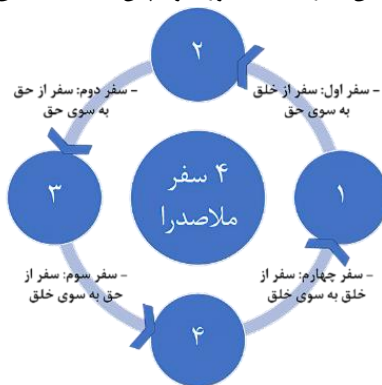
الأسماء و الصفات تستدعي مظاهر و مجالی مناسبه إياها بها يظهر أثر ذلك الاسم و الصفه فيه فكل صفه من صفات الله العظمى و اسم من أسمائه العليا يقتضى إيجاد مخلوق من المخلوقات يدل ذلك المخلوق على ذلك الاسم<sup>۳</sup> و من نظر إلى أصناف الناس من أهل كل صنعه و عمل كالکاتب و الشاعر و المنجم و الطبيب و الزارع و غيرهم يجد هيئات أبدانهم مناسبه لدواعی نفوسهم فإن الهيئات ترد من النفوس إلى الأبدان أولا كما ترتقى من الأبدان إلى النفوس ثانيا فيتصور في الآخره بصورتها<sup>۴</sup>

باید توجه داشت که تناسب در نظر صدرا، مفهوم بسیار کلی تر از تناسبی است که در زیبایی شناسی غالبا به تناسب در شکل و اعضا و رنگ و ترکیبات یک اثر اطلاق می شود. در واقع ضمن اینکه چنین تناسبی هم مورد تایید است اما تناسب مورد نظر ایشان در همه شئون عالم ساری و جاری است. این امر هم به اعتقاد ایشان به احسن بودن کل نظام خلقت برمی گردد (بابایی، ۱۳۸۶).

## ب- حرکت و پویایی

حکمای قبل از ملاصدرا حرکت را در چهار باب از ابواب عرضیه کم، کیف، وضع، این می دانستند، صدرا المتألهین حرکت را از ویژگی های موجود جسمانی دانسته و همه مادیات به نظر او به حسب جوهر ذات متحرکند (أشتیانی، ۱۳۷۸). انسان، به معنای تبارمند این کلمه - یعنی نفس انسانی - وجودی آکنده از تحول و تحرک است: "ولا ان الانسان من بدو ولادته الی اوان موته علی جوهر واحد و هویه واحده، من غیر تحول و ارتحال کما زعمه الناس" (شیرازی، ۱۹۸۱). نتیجه این تحول، خروج پیوسته او از مراتب ورود به مراتب دیگر است: "الانسان فهو فی الترقی دائما من وجود الی وجود آخر و من نشاء آخری و لیس بثابت علی مرتبه منه" (شیرازی، ۱۳۷۵). طبق نظریه ی حرکت جوهری ملاصدرا، وجود مادی به واسطه ی حرکت دائمی خود به سمت وجود روحانی، با طی مراتب و گذر از عوالم محسوسات، خیالات و معقولات به ادراک حقیقی جهان ناقل می شود. پس رابطه حرکت و مخصوصا حرکت جوهری با زیبایی این است که:

فیکون تصور الجمال سبب العشق و العشق سبب الطلب و الطلب سبب الحرکه احاصله منها التشبه به. فیکون ذلك المتشبه به<sup>۵</sup>. پس بهترین تاویل از رابطه حرکت و زیبایی را می توان چنین مطرح نمود که: حرکت راه پیوستن و بلکه عین رسیدن به زیبایی مطلق است. یک وجه دیگر از زیبایی حرکت این است که انسان، خود در حرکت و حرکت، خود در درون انسان است. در حالی که زیبایی های دیگر که منعکس کننده زیبایی واجب اند از خود انسان اند (بابایی، ۱۳۸۶) با توجه به موارد ذکر شده میتوان درک زیبایی یک شهر و خرد فضاها ی آن را به واسطه حرکت میسر کرد و زمانی میتوان واژه زیبا را به شهری اطلاق کرد که شهروندان را به حرکت و پویایی وادارد. بنابراین یکی دیگر از ویژگی های شهر زیبا را می توان شهری نامید که آدمی را به حرکت و تکاپو وادارد. زیرا کمال آدمی عین حرکت است. در تصویر ۳ به چهار سفر از دیدگاه ملاصدرا اشاره خواهیم کرد که با مقوله حرکت، ارتباط نزدیکی دارد و سیر این ۴ مرحله بدون حرکت امکان پذیر نمی باشد: چهار مرحله ای که در آن با یک حرکت پویا، انسان در شروع به ناحیه زیبایی های حقیقی ورود پیدا می کند؛ آن ها را به دست آورده و سپس مجدد به همین جهان باز می گرداند.



تصویر ۳: تبیین ۴ سفر و حرکت ملاصدرا (نقره کار، ۱۳۸۹)

- ۱- همان، ج ۷، ص ۱۱۲
- ۲- المبدأ والمعاد، ص ۲۷۵
- ۳- الأسفار الأربعة، ج ۶، ص ۱۴۶
- ۴- لعرشیه، ص ۲۶
- ۵- المبدأ والمعاد، ص ۱۸۴

## ج- تضاد و تباین

اضداد زیبایی را به وجود می آورند خداوند زیبایی مطلق است چون مجمع اضداد است. بنابر حدیث قدسی " کنت کنزا ... " ، خداوند گنجی پنهان است که دوست دارد شناخته شود و این دوست داشتن ( عشق الهی)، علت ظهور هستی در صورت‌های خارجی آن است. ملاصدرا مخفی بودن ذات الهی را که موجب حرکت حبی برای ایجاد عالم شد، بر چهار وجه معنا می کند که یکی از موارد به این صورت است: در زبان عربی واژه "خفا" از اضداد بوده و دارای دو معناست: مخفی کردن و ظاهر کردن. بنابراین از موارد ذکر شده میتوان چنین استنباط کرد که وجود تضاد سبب خلق زیبایی می‌شود و یکی از ویژگی‌ها و معیارهایی که میتوان با آن به شهر زیبایی بخشید وجود تضاد و تباین است که مصداق این امر در فضاهای شهری مواردی نظیر: فضاهای سرپوشیده و سرباز، نور و سایه، حرکت در یک محور تنگ و باریک و مکث در یک فضای گشوده شهری است.

## د- حس تعلق

از آنجایی که یکی از خصوصیات عشق زیبایی است؛ بدین معنا که اساسا بدون وجود زیبایی، عشق تحقق نخواهد یافت (شجاری، ۱۳۹۵). ملاصدرا تصور زیبایی را سبب ایجاد عشق می داند<sup>۳</sup>. بنابراین یکی از ویژگی‌های یک شهر زیبا را می توان عشق و یا حس تعلق در شهروندان و ساکنان آن نسبت به محل سکونت خود دانست.

## ه- دارای شهروندان صاحب هنر، آداب (اخلاق زیبا) و علم / اعتدال و عدالت / اختیار و آزادی

در کنار زیبایی‌های ظاهری، بخش اعظمی از مباحث زیبایی عقلانی صدرا به اخلاق و اخلاقیات برمی‌گردد. صدرا با پرشمردن روؤس خلق‌های زیبا و زشت<sup>۴</sup>، برای بیان زیبایی آن بر اعتدال بین قوای مختلف نفس تاکید می‌کند. به عبارت بهتر اخلاقی زیباست که اندازه اعتدال بین زیاده‌روی و کوتاهی کردن در برخورداری از قوای نفسانی باشد<sup>۵</sup>. در اصل اخلاق زیبا هنگامی از نفس انسانی پدید می‌آید که بین قوه علم و خشم و هوس و عقل که چهار پایه برای مجامع اخلاق است، حد میانه‌روی برقرار باشد<sup>۶</sup> از زیبایی‌های اخلاقی مدنظر ملاصدرا، حریت یا آزادی است که در مقابل عبودیت است، وی حریت را به تسلیم نبودن نفس در برابر غریزه‌های بدنی و لذت‌های حیوانی معنی می‌کند: أن النفس إما أن لاتكون مطیعه بغریزتها إلى الأمور البدنیة و مستلذات القوی الحيوانیة واما أن تكون مطیعه لها فالتی لا تكون كذلك هی الحره صدرالمتالهین نکته جالبی درباره تفاوت درک مردم از زیبایی دارد. او می گوید ملت‌هایی که به لحاظ علم، آداب، و هنر در مرتبه بالاتری قرار دارند زیبایی‌هایی را درک می‌کنند که ملت‌های خالی از این امور توانایی درک آن‌ها را ندارند و به مرتبه پایین‌تری از زیبایی اکتفا می‌کنند (شیرازی، ۱۳۶۰).

یکی دیگر از معیارهای شهر زیبا، بحث استقلال و اراده انسان‌ها در شهر است. آدمی در فروغ استفاده درست از اختیار خود، می‌تواند به کمالاتی راه یابد و خلقت انسان به نحوی است که استقلال وجودی، شرط انسانیت شمرده می‌شود. در سامان فلسفی صدرالمتالهین، از آنجا که هر موضوعی در رابطه با وجود معنا می‌یابد، بدین سبب اراده و اختیار و آزادی نیز الزاما تفسیر وجودی پیدا می‌کند، بر پایه اصل وحدت وجود، وجود راجب در رفیع‌ترین مرتبه قرار دارد. انسان نیز موجودی است صاحب اختیار ولی فقیر و محتاج که واقعیت و هستی او چیزی سوای دلستگی به خاستگاه هستی نیست، چون وجود معلول مشابه ربط به وجود علت است و معلول شانی از شئون علت و گنجایش و استعداد بالا رفتن از منزلتی به منزلت دیگر را دارد که این دگرگونی بدون فرض اختیار و اراده، کاری غیرممکن است (شیرازی، ۱۳۸۰). بنابراین حقیقت شاخصه‌هایی چون اراده و اختیار در واجب و ممکن یکی بوده، ولی منازل آن مطیع درجات وجودی هر موجود است (شیرازی، ۱۳۶۸). صدرالمتالهین در عین استقلال اراده و اختیار انسان اظهار می‌کند که کمال در ارتباط و وابستگی است، هرچه موجودی به مرکز وجود پیوسته‌تر باشد، کامل‌تر است.

## و- مشارکت شهروندان

مراتبی از عدالت و حکمت، رحمت و قهر، علم و بسیاری دیگر از کمالات جز در بطن جامعه سیاسی و حضور فعال در آن حاصل نمی‌شود. آنچه در چنین جامعه‌هایی موجب قهقرا می‌گردد، نه نفس حضور در آنها؛ بلکه حضور منفعل در آنها است. بنابراین حس حضور و مشارکت شهروندان چه در مدیریت و چه در روزمرگی یک شهر به زیباتر شدن شهر و کمال انسان ساکن در

۱- خداوند فرمود: من گنجی پنهان بودم که دوست داشتم شناخته شوم. پس مخلوقات را آفریدم تا شناخته شوم. (مجلسی، بحارالانوار، ج ۸۷، ص ۱۹۹).

۲- بنگرید به: صدرالدین شیرازی، مجموعه رسائل فلسفی صدرالمتالهین، ص ۳۵۷-۳۵۸

۳- صدر الدین شیرازی، مفاتیح الغیب، ص ۳۷۷

۴- الاسفار الأربعة، ج ۹، ص ۹۱

۵- اسرارالایات، ص ۱۹۲ و الاسفار الأربعة، ج ۳، ص ۲۰۳

۶- الاسفار الأربعة، ج ۹، ص ۸۸ و ص ۹۱

آن کمک می کند (حسنی، ۱۳۹۰) (نصر، ۱۳۸۲). در مجموع از آرا و دیدگاه ملاصدرا به ۸ معیار در ارتباط با شهر زیبا رسیدیم که در جدول ۲ با اقسام زیبایی مطابقت داده شده‌اند.

جدول ۲: تطبیق معیارهای استخراجی زیبایی در قالب ۳ قسم زیبایی

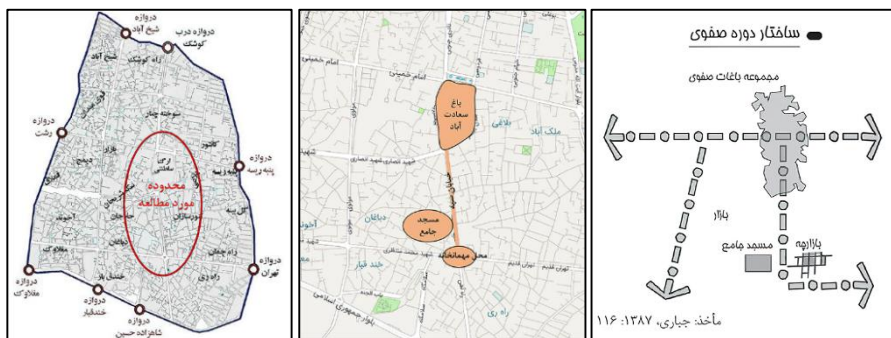
زیبایی حسی	وجود نسبت و تناسب	زیبایی عقلی	دارای شهروندان صاحب هنر، آداب (اخلاق زیبا) و علم
زیبایی خیالی	حرکت جوهری ← حرکت و پویایی (حس کنجکاوی و کشف)		اعتدال و عدالت
	مجمع اضداد ← تضاد و تباین (نور و سایه - خوانایی (وضوح) و ابهام)		اختیار و آزادی
	عشق به فضا ← حس تعلق	مشارکت شهروندان	

### ۳- بررسی نمونه موردی بر اساس معیارهای مستخرج شده شهر زیبا از دیدگاه ملاصدرا

در این پژوهش مجموعه فضای دولتخانه و میدان عهد صفوی در شهر قزوین بر اساس معیارهای مستخرج از آرا و دیدگاه ملاصدرا مورد بررسی و تحلیل قرار خواهد گرفت زیرا این مجموعه شهری اگرچه امروزه برخی ساختار و کالبد آن طی زمان دستخوش تغییراتی شده است اما همچنان ساختار و استخوانبندی کلی آن حفظ شده و هنوز هم در دل شهر و در بافت مرکزی به عنوان یک فضای شهری موفق نقش آفرینی میکند. در ادامه ابتدا به گسترش کالبدی شهر قزوین بعد از انتقال پایتختی از تبریز به قزوین به اختصار می پردازیم.

#### ۳-۱- گسترش کالبدی شهر قزوین در دوران صفوی

رشد و دگرگونی آشکار در استخوانبندی شهری قزوین، با انتخاب آن به عنوان مرکز سیاسی در سال ۹۵۵ ق توأم بود. انگیزه شاه طهماسب در انتخاب قزوین هرچه بود، باعث شد که این شهر به شکل یکی از مهم ترین شهر های ایران از نظر تجاری و سیاسی درآید و بناهای مختلف و مهمی از جمله مجموعه سعادت آباد، میدان، کاروانسراها و... در آن ساخته شود (ترکمان، ۱۳۵۰). منابع دیگر نیز در ساخت وساز باغ و عمارت های متعدد از ۹۵۱ ق در اراضی موسوم به زنگی آباد هم سخن‌اند (منشی قمی، ۱۳۸۳). محور اصلی توسعه کالبدی شهر در این دوران، ناحیه مابین مسجد جامع تا ارگ سلطنتی بود که میدان مستطیل شکلی طراحی شد که علاوه بر پیوند شهر قدیم به جدید، عناصر توسعه جدید شهری را سازمان داد و از نظر اجتماعی مرکز فعالیت های مدنی و پاسخگوی نیازهای سیاسی و حکومتی شد (عادلر و فراهانی فرد، ۱۳۹۰) (مجابی، ۱۳۷۸). تصاویر شماره ۴، ۵ و ۶ به معرفی محدوده مورد مطالعه پرداخته است.



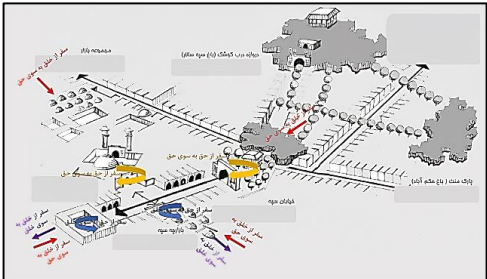
تصویر ۵: معرفی محدوده مورد مطالعه (نگارنده) تصویر ۶: معرفی ساختار دوره صفوی (جباری، ۱۳۸۷)



تصویر ۷ و ۸ و ۹: تصاویری از مجموعه شهری در قزوین

جدول ۳: چگونگی نمود معیارهای شهر زیبا در مجموعه شهری قزوین

انواع زیبایی	معیارهای شهر زیبا و تطابق آن با انواع زیبایی	نمود اقسام زیبایی و معیارهای شهر زیبا در مجموعه دولتخانه عهد صفوی در قزوین
نسبت و تناسب	دارای شهروندان صاحب هنر، آداب (اخلاق زیبا) و علم/ اعتدال و عدالت / اختیار و آزادی/ مشارکت شهروندان	نقوش گیاهی دیوار با حیوانات خیالی نظیر سیمرغ
نسبت و تناسب		<p>تحریک ۵ حس لامسه، ذائقه، شامه، سامعه و باصره</p> <p>-باصره: وجود نشانه‌های بصری مسجد جامع- سر در عالی قاپو- و چهلستون در جبهه‌های مختلف مجموعه- تامین دید مناسب بصری با ساخت عمارت بر روی صفه</p> <p>-شامه ، لامسه، باصره: کاشت انواع گیاهان و گل های تزئینی در حاشیه راه‌های اصلی - کاشت درختانی نظیر بید، عرعر و تاک و درختان میوه دار</p> <p>-سامعه و باصره: روان بودن جوی آب در دو طرف خیابان- وجود حوض‌ها و استخرهای بیرون و درون عمارات- وجود قنات</p> <p>-طرح شطرنجی باغ سعادت آباد که دو محور اصلی آن به صورت متقاطع سطح باغ را به چهار بخش تقسیم کرده بودند</p> <p>-تشبیه مجموعه به تخته نردی با خیابان های راست و تقسیمات بسیار و نقش و نگار</p> <p>- وجود خیابان های زیبا در دورتادور باغ و حاشیه، علاوه بر خیابان های اصلی باغ</p> <p>-فضای چهار گوش ( با طول ۶۵۰ قدم و عرض ۶۵ قدم) که درختان چنار و توت را یک در میان در دو سمت آن با فاصله هفت قدم کاشته اند</p> <p>-احداث عمارتی به نام ارشی خانه در فضای مربعی شکلی که از تقاطع دو خیابان اصلی باغ ایجاد شده بود. - قرار گرفتن حوضی به شکل مربع که چهار ستون در چهار گوشه آن واقع بود.</p>
حرکت و پویایی (حس کنجکاوی و کشف)	تضاد و تباین (نور و سایه - خوانایی (وضوح) و ابهام)	<p>-ساختمان دو طبقه چهلستون که طبقه اول با پله های مارپیچ به طبقه دوم می پیوندد</p> <p>-ترکیب فضاهای باز، نیمه باز و بسته</p>
حس تعلق		<p>-وجود گلجام هایی در سقف فضا که نور را به داخل هدایت می کردند</p> <p>-وجود دوازده پنجره ( سه پنجره در هر جبهه) -تزیین سطح فضای داخلی با نقش‌ها و نگاره‌های گوناگون</p> <p>- دو چنار بلند در دو طرف صفه شاهانه که در اطراف هر یک تاکی بلند است که بر اطراف سایه می‌اندازد</p> <p>-وجود کتیبه " به حق اشهد ان لا اله الا الله" در بالای سردر عالی قاپو -انطباق حرکت از نگاه ۴ سفر ملاصدرا در مجموعه</p>



۴- نتیجه‌گیری

در شهرهای با تراکم بالا یافتن فضا برای احداث بوستان های جدید که با اهداف و سیاست های شهر بیوفیلیک نیز همخوانی داشته باشد، چالشی بزرگ به شمار می رود. در کشور عزیزمان ایران نیز با توجه به کمبود سرانه فضای سبز در شهرها به ویژه در مراکز شهری کلانشهرها به جهت اهمیت چگونگی استفاده از زمین به دلیل کمبود و قیمت بالای



زمین و فشرده‌گی و تراکم کاربری‌ها، احداث بوستان‌هایی که بتواند موفق عمل کرده و به عنوان یک فضای شهری کارا در تمام فصول مورد استفاده و استقبال عموم قرار گیرد از جمله چالش‌های ارگان‌های تصمیم‌گیرنده و متخصصین حوزه شهری است. پاسخدهی راهکارهای رویکرد بیوفیلیک در مقیاس‌های مختلف شهری به ویژه در بوستان‌های شهری از نتایج پژوهش حاضر است که میتوان با بومی سازی این راهکارها برای طراحی بوستان‌ها در شهرهای مختلف در ایران از پارک‌های جیبی به عنوان کوچکترین مقیاس بوستان شهری گرفته تا یک پارک که در مقیاس یک شهر عمل می‌کند استفاده کرد. بررسی و تحلیل این ۴ بوستان و پارک‌های مشابه آنها نشان داد که میتوان حتی از کوچکترین فضا در میان بلوک‌های شهری استفاده کرد و فضایی برای شهروندان فراهم نمود که حتی برای چند دقیقه به دامان طبیعت به دور از هیاهو و شلوغی شهر پناه برده و از مزایای بی‌شمار آن بهره ببرند. همین طور با توجه به جدول شماره ۱، اگرچه از بیشتر الگوها در طراحی ۴ بوستان بررسی شده استفاده شده اما نیازی نیست که در طراحی فضاها و یا بوستان‌های دیگر، از هر سه رکن و الگوهای مرتبط با آنها و یا در نگاه اول حتماً از تجربه طبیعت در فضا استفاده کرد بلکه بسته به شرایط هر فضا و بوستان، و به جهت محدودیت‌های فضایی و جایی که امکان تحقق تجربه طبیعت در فضا وجود ندارد، از تجربه قیاسی طبیعی یا الگوهای مرتبط با تجربه سرشت و طبیعت فضا بهره برد.

## منابع

۱. آشتیانی، سید جلال الدین. (۱۳۷۸). «شرح حال و آرای فلسفی ملاصدرا». قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۲. ابراهیمی دینانی، غلامحسین. (۱۳۶۶). «قواعد کلی فلسفی در فلسفه اسلامی». جلد دوم. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۳. اراکی، محسن. (۱۳۸۳). «حقیقت ادراک و مراحل آن در فلسفه ملاصدرا». معرفت فلسفی، ۱ (۴): ۶۳-۷۹.
۴. اکبری، رضا. (۱۳۸۴). «ارتباط وجود شناسی و زیبایی شناسی در فلسفه ملاصدرا». فصلنامه علمی- پژوهشی دانشگاه قم، سال هفتم (۱): ۸۸-۱۰۲.
۵. بابایی، علی. (۱۳۸۶). «پریچهره حکمت: زیبایی شناسی در مکتب ملاصدرا». تهران: مولی.
۶. ترکمان، اسکندر بیک. (۱۳۵۰). «تاریخ عالم آرای عباسی» تصحیح ایرج افشار. تهران: امیر کبیر.
۷. جباری، منا. (۱۳۸۷). «نقش مفصل در سازمان فضایی شهر نمونه موردی: سبزه میدان قزوین». کارشناسی ارشد. دانشگاه علم و صنعت ایران.
۸. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۰). «انسان از آغاز و تا انجام». ق: اسراء.
۹. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۲). «تفسیر انسان به انسان». ق: اسراء.
۱۰. حسنی، ابوالحسن. (۱۳۹۰). «حکمت سیاسی متعالیه». تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. ۱۷۷-۱۷۸.
۱۱. شجاری، مرتضی. (۱۳۹۵). «انسان در حکمت صدرایی». مشهد: دفتر نشر معارف.
۱۲. شیرازی، صدر الدین محمد ابن ابراهیم (ملاصدرا). (۱۳۸۲). «ترجمه شواهد الربوبیه»، ترجمه سید مصطفی محقق داماد، انتشارات بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
۱۳. شیرازی، صدر الدین محمد ابن ابراهیم (ملاصدرا). (۱۳۵۴). «المبدا و المعاد». تهران: انجمن حکمت و فلسفه ایران.
۱۴. شیرازی، صدر الدین محمد ابن ابراهیم (ملاصدرا). (۱۳۶۰). «الشواهد الربوبیه». مصحح سید جلال الدین آشتیانی. چاپ دوم. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۱۵. شیرازی، صدر الدین محمد ابن ابراهیم (ملاصدرا). (۱۳۷۸). «ترجمه اسفار اربعه»، ترجمه محمد خواجوی، تهران: مولی.
۱۶. شیرازی، صدر الدین محمد ابن ابراهیم (ملاصدرا). (۱۳۴۰). «رساله سه اصل»، مصحح حسین نصر، تهران: مولی.
۱۷. شیرازی، صدر الدین محمد ابن ابراهیم (ملاصدرا). (۱۳۶۰). «تفسیر القرآن الکریم». تحقیق: محمد خواجوی. قم: انتشارات بیدار.
۱۸. شیرازی، صدر الدین محمد ابن ابراهیم (ملاصدرا). (۱۹۸۱). «الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه». بیروت: دار احیاء التراث.
۱۹. شیرازی، صدر الدین محمد ابن ابراهیم (ملاصدرا). (۱۳۷۵). «مجموعه رسائل فلسفی؛ رساله شواهد الربوبیه». تحقیق: حامد ناجی اصفهانی. تهران: انتشارات حکمت.
۲۰. شیرازی، صدر الدین محمد ابن ابراهیم (ملاصدرا). (۱۳۶۰). «اسرار الایات». تهران: انجمن حکمت و فلسفه ایران.
۲۱. شیرازی، صدر الدین محمد ابن ابراهیم (ملاصدرا). (۱۳۸۰). «المبدا و المعاد»، تصحیح سید جلال الدین آشتیانی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۲. شیرازی، صدر الدین محمد ابن ابراهیم (ملاصدرا). (۱۳۶۸). «الحکمه المتعالیه فی الاسفار الاربعه»، قم: انتشارات مصطفوی.

۲۳. طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۹۲). «اصول فلسفه و روش رئالیسم»، مقدمه و پاورقی بقلم مرتضی مطهری. جلد اول، چاپ هجدهم، تهران: صدرا.
۲۴. عادلفر، باقرعلی، و رقیه فراهانی فرد. (۱۳۹۰). «کالبد شناسی شهری قزوین در دوران صفوی». تحقیقات تاریخ اجتماعی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال اول (۲): ۵۱-۷۰.
۲۵. گنجور، مهدی، و سید مهدی امامی جمعه. (۱۳۸۹). «زیبایی شناسی فلسفی و تحلیل نظریه «اصالت زیبایی» در حکمت مطهر». مطالعات اسلامی: فلسفه و کلام (۸۴/۲): ۱۲۵-۱۴۶.
۲۶. منشی قمی، قاضی احمد بن حسین. (۱۳۸۳). «خلاصه التواریخ»، جلد دوم، تصحیح احسان اشراقی. تهران: دانشگاه تهران.
۲۷. مجابی، سید مهدی. (۱۳۷۸). «مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران». تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
۲۸. نقی زاده، محمد. (۱۳۹۱). «حس حضور، مطلوب ترین برآیند ارتباط انسان با محیط». دو فصلنامه معماری ایرانی (۲): ۴۶-۲۷.
۲۹. نقره کار، عبدالحمید. (۱۳۸۹). «مبانی نظری معماری». تهران: دانشگاه پیام نور.
۳۰. نصر، سید حسین. (۱۳۸۲). «صدر المتالهین شیرازی و حکمت متعالیه». ترجمه ی حسین سوزنچی. تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی.
۳۱. هاشم نژاد، حسین، و سید جواد نعمتی. (۱۳۹۰). «زیبایی شناسی در فلسفه صدر المتالهین». فلسفه. سال ۳۹ (۲): ۱۳۷-۱۶۱.